

میلاذ حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

هوای نرگس

کنار پنجره دیده، دام و دانه نهادم

ولی کبوتر آه از قفس پریده دمام

خمیده قامتِ سَرُو از فراق روی نگارم

به دامن گُل سرخ از غمت ستاره نشاندم

به یاد حضرت روی تو، سوسن و سُنبل

به سجده اشک فشانند در مسیرِ مُرادم

به گوشِ لاله، شقایق بگفت داغ کسی را

به قلبِ سوخته دارم، به دام هجر فتادم

هوای ابری نرگس، بهار، بارانی ست

خیالِ وصلِ عزیزی به خاطرم بسپر دم

ز کوه شرمِ شما، آبشار دیده نگون شد

ز نورِ مهر تو خورشید رفته ز یادم

گداخت آتشِ آتشفشان ز آه سینه من

به دادِ دیده و دل رس، ز پا بیفتادم

کویر و خشکی و کابوس و تشنگی و سراب

ببار ابرِ محبت! تو بر دلِ آدم

سِرشته گشته کَلَم با کُلابِ نابِ نگاهت

عزیزِ عشق! کُلِ نرگسم! تو را خواندم

دلم گرفته از این شهرِ مُرده، به خانه بیا

بیا که هجر تو ای عشق، داده بر بادم

تمامی اشعار این سایت، متعلق به هیئت شیفتگان حضرت رقیه (سلام الله علیها) شوش دانیال (علیه السلام) می باشد.
به نیت ترویج فرهنگ غنی شیعه علوی، کپی برداری با ذکر منبع مجاز می باشد.

Mohseniyeh.com